

## هیدروپلیتیک نیل و تأثیر آن بر روابط ژئوپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی ( با تأکید بر سد رنسانس )

جواد اطاعت (دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

[j\\_etaat@sbu.ac.ir](mailto:j_etaat@sbu.ac.ir)

یاشار ذکی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

[yzaki@ut.ac.ir](mailto:yzaki@ut.ac.ir)

حسن کریمی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران)

[hasankarimi62@gmail.com](mailto:hasankarimi62@gmail.com)

Doi: pg.v3i10.75353/10.22067

### چکیده

رود نیل با ۶۸۵۳ کیلومتر، طولانی‌ترین رودخانه جهان و پرآب‌ترین رودخانه در قاره آفریقا است. این رودخانه که حاصل مجموعه‌ای از چندین جویبار است، پس از طی مسیری طولانی به سمت شمال، و گذر از کشورهایی که در مسیر این رودخانه هستند، نهایتاً وارد دریای مدیترانه در شمال آفریقا می‌شود. نیل نقش اساسی در اقتصاد کشورهای حوضه نیل یعنی مصر، سودان و اتیوپی دارد. میزان بهره‌برداری سه کشور از نیل به یک اندازه نیست. بیشترین میزان استفاده از رود نیل مربوط به مصر و پس از آن سودان و اتیوپی است. تا دهه ۱۹۹۰م. مشکل چندانی میان سه کشور به وجود نیامد. اما از اواسط دهه ۱۹۹۰م. در نتیجه تقاضای فزاینده مبتنی بر طرح‌های جدید آبیاری، رشد جمعیت و سطح بالاتر زندگی، رقابت بر سر حقایق آب نیل میان سه کشور فوق‌الذکر بالا گرفت. آنچه که بر شدت رقابت میان آنها افزود، اقدام دولت اتیوپی در ساخت سد نهضت (رنسانس) در سال ۲۰۱۱م. بود، به گونه‌ای که ساخت این سد و بهره‌برداری از آن صدمات جدی به اقتصاد مصر و تا اندازه‌ای سودان وارد می‌ساخت. اقدامی که از سوی دولت مصر بی‌پاسخ نماند و با واکنش شدید این کشور مواجه شد. در این پژوهش که روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع مکتوب و اینترنت استفاده شده، در پاسخ به این سؤال که هیدروپلیتیک نیل چه تأثیری بر روابط ژئوپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی گذاشته است؟ می‌توان گفت که هیدروپلیتیک نیل، مصر، سودان و اتیوپی را در آستانه یک تقابل ژئوپلیتیکی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که قراردادهای استعماری، فقدان یک مکانیسم مناسب در زمینه تقسیم آب، افزایش جمعیت و رشد کشاورزی و صنعت در حوضه نیل،

ساخت سد رنسانس در اتیوپی و نهایتاً دخالت قدرتهای منطقه‌ای و جهانی باعث شده تا حوضه رود نیل عرصه رقابت هیدروپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی شود. بنابراین می‌توان گفت در صورت پافشاری کشورهای بالادست بر سهم منصفانه از آب نیل از جمله عملیاتی شدن سد نهضت (رنسانس) و بهره برداری از آن توسط اتیوپی، آسیب فراوانی را متوجه میزان آب شرب، کشاورزی و صنعت توریسم مصر و تا اندازه ناچیزی آب سودان خواهد گذاشت. لذا در چنین شرایطی هیدروپلیتیک نیل، عرصه «تقابل ژئوپلیتیکی» میان مصر، سودان و اتیوپی خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** نیل، هیدروپلیتیک، مصر، سودان و اتیوپی.

#### ۱- مقدمه

آب جوهر حیات و مایه آبادانی و یک عنصر اساسی در حیات و ساختارهای اقتصادی — اجتماعی جوامع است. این مساله به خوبی در آیه ۳۰ سوره شریفه انبیاء « وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَشْكَارٌ است. آب از مؤلفه‌های اساسی در توسعه است و توسعه نیز به نوبه خود امنیت بیشتر را به دنبال دارد. هیچ کشوری در دنیا بدون برخورداری از آب کافی نمی‌تواند ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را حفظ کن. در بسیاری از نقاط دنیا چه در مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی دست‌اندازی به منابع آب سریعترین عامل برانگیختن خشم مردم و دولتهاست (Mokhtariheshi, 2013: 59). آب یکی از اساسی‌ترین ملزومات دوام و تدوام بیولوژیک انسانی است. امروزه شواهد آماری نشان می‌دهد که در بعضی از نقاط جهان، کمبود منابع آبی به نقطه بحران نزدیک شده است و از آنجا که بحران برآمده از کمبود منابع، همواره نزاع‌آفرین است، بدیهی است که مساله آب، موضوع نزاعهای امروز و آینده قرار خواهد گرفت. یعنی اینکه سیاست به معنای مدنیت که با وجه انسانی آدمیت سر و کار دارد، اکنون باید درگیر موضوعی باشد که از وجه حیوانی او برآمده است؛ بنابراین بحران آب می‌تواند «مدنیت» را تبدیل به «بدویت» کند، یعنی اینکه بازگشتی از طبیعت ثانویه آدمی به طبیعت اولیه اوست (Moradi Tadi, 2017: 73). در حالی که حدود ۷۰ درصد کره زمین را آب تشکیل می‌دهد اما تنها ۲,۷ درصد از آبهای جهان، شیرین هستند. مطابق محاسبات فائو در سطح جهانی، آب شیرین مورد استفاده در بخشهای مختلف اقتصادی به ترتیب ۷۰ درصد برای کشاورزی، ۲۰ درصد برای صنعت و ۱۰ درصد برای مصارف خانگی است (FAO, 2003). حدود ۸۰ کشور جهان با کمبود آب مواجه هستند که در این میان می‌توان به کشورهای واقع در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال شرق آفریقا اشاره کرد. با توجه به افزایش جمعیت و توسعه صنایع، منابع آب شیرین و

دسترسی به آن در برخی از کشورها به یک «بحران ژئوپلیتیکی» تبدیل شده است. آب از دیر باز نقش بسیار مهمی در منازعات منطقه‌ای داشته است. بنا به گفته جغرافیدان آمریکایی «آرون ولف» منازعه بر سر آب دارای تاریخ بسیار طولانی است و اولین منازعه بر سر آب، قرن‌ها قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین (عراق کنونی) روی داده است (Wolf, Yoffe & Giordano, 2003: 1109 - 1126).

کمبود رو به تزاید آب و منافع مشترک دولتها بر سر آبهای بین‌المللی نظیر رودخانه‌ها سبب گردیده که آب به عنوان عاملی تعیین‌کننده در سیاست بین‌الملل به ایفای نقش پردازد که از آن می‌توان تعبیر به «هیدروپلیتیک» نمود، مساله‌ای که روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها را متأثر نموده است. به عنوان مثال تاکنون بالغ بر ۳۰۰ پیمان بین کشورهای مختلف جهان برای حل مسائل موردی مختص به آب منعقد گردیده است (Hafeznia, 2011: 110). در متن بیش از ۲۰۰۰ پیمان بین‌المللی نیز بندهایی در ارتباط با آب وجود دارد. آب به عنوان یک ماده حیاتی، زمانی که به اندازه کافی در دسترس باشد، خوب است. اما به محض اینکه آب کم شود، بحران آب به وجود می‌آید. وقتی شرایط به حد بحرانی برسد، جوامع انسانی از هم پاشیده می‌شود و اینجاست که «تقابل ژئوپلیتیکی» اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. با توجه به کمبود منابع آب شیرین در جهان از جمله آفریقا، جنگ بر سر این ماده حیاتی همچنان محتمل است. نمونه بارز آن اختلاف میان سه کشور اتیوپی، سودان و مصر بر سر حقاچه رود نیل است. رودخانه نیل که در شمال شرقی آفریقا قرار گرفته، با ۶۸۵۳ کیلومتر طول، طولانی‌ترین رود جهان است. نیل سفید، نیل آبی، سوبات و عطبره شاخه‌های رود نیل هستند که به استثنای نیل سفید، بقیه از ارتفاعات اتیوپی سرچشمه می‌گیرند

(Mokhtarihesi & Ghaderihajat, 2008:48).

جدول ۱. شاخه‌های رود نیل

شاخه‌ها	محل فرازآنها	درصد آبدهی
نیل آبی	اتیوپی	۵۹
نیل سفید	اوگاندا و سودان	۱۴
عطبره	سودان	۱۳
سوبات	سودان جنوبی	۱۴

نیل آبی از دریاچه تانا در اتیوپی سرچشمه می‌گیرد و طول آن ۱،۴۵۰ کیلومتر، دبی میانگین آن ۲،۳۴۹ مترمربع در ثانیه است و حوضه آبخیز آن ناحیه‌ای به مساحت ۳۲۵،۰۰۰ کیلومتر مربع را در برمی‌گیرد. ۵۹

درصد آب نیل متعلق به نیل آبی است. نیل سفید که سرچشمه آن دریاچه ویکتوریا است و از دریاچه آلبرت در اوگاندا می‌گذرد، ۳۷۰۰ کیلومتر طول و حوضه آبخیز آن ۱۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. ۱۴ درصد آب نیل متعلق به نیل سفید است. نیل سفید و نیل آبی نهایتاً در خارطوم سودان به هم پیوسته و رود طولانی نیل را شکل می‌دهند. سومین شاخه رود نیل، رود عطبره در شهر عطبره سودان است که در ۳۵۰ کیلومتری شمال خارطوم به نیل سفید و آبی می‌پیوندد. این رود با وجود آنکه کوچکتر از دو رود دیگر است، اما آب کوه‌های اتیوپی و اریتره در بخش‌های شمالی دریاچه تانا را جمع‌آوری می‌کند. ۱۳ درصد از آبدهی نیل بزرگ متعلق به این شاخه از نیل است. از دیگر شاخه‌های رود نیل، رود سوبات است که از کشور تازه تاسیس سودان جنوبی سرچشمه می‌گیرد. این رود کوچک در مسیر حرکت خود به نیل سفید می‌پیوندد و در خارطوم پایتخت با نیل آبی یکی می‌شود. این رود نزدیک به ۱۴ درصد آب نیل را تشکیل می‌دهد. اگرچه حدود ۱۱ کشور در طول مسیر رود نیل هستند و هرکدام نسبت به سهم آب خود از این رودخانه شکایت دارند. اما بیشترین اختلاف در مورد نحوه بهره‌برداری از نیل مربوط به سه کشور اتیوپی، سودان و مصر است. میزان بهره‌برداری سه کشور از آب نیل به یک اندازه نیست.

بیشترین میزان مصرف آب نیل در قسمت سفلی رود نیل توسط مصر و سودان صورت می‌گیرد، اما اتیوپی که بالغ بر ۸۵ درصد آب نیل را تامین می‌کند، میزان مصرف آن، کمتر از دو کشور یاد شده است. در سالیان اخیر مساله افزایش جمعیت، نیاز مبرم به آب جهت مصارف خانگی و کشاورزی باعث شده تا اتیوپی خواهان سهم منصفانه از آب نیل باشد. به همین خاطر اتیوپی در سال ۲۰۱۱م. اقدام به ساخت سد نهضت (رنسانس) نمود. سدی که اگر به مرحله بهره‌برداری برسد، پیامدهای منفی برای کشورهای پائین‌دست رود نیل بخصوص مصر خواهد داشت. مساله‌ای که اعتراض شدید مصر و تهدید نظامی این کشور را به همراه داشت. لذا کشورهای پائین‌دست رودخانه به منظور دستیابی به آب مورد نیاز خود باید چاره‌جویی کنند و دیپلماسی آب را در دستور کار خود قرار دهند، اگر راه‌حلی پیدا شد چه بهتر، و اگر راه حلی پیدا نشود، باید منتظر یک «تقابل ژئوپلیتیکی» میان سه کشور فوق‌الذکر بود (Hagget, 1979: 50).

هدف این پژوهش نیز بررسی این مساله است.

## ۲- مبانی نظری

در سال ۱۸۹۹م. رودلف کیلن استاد علوم سیاسی دانشگاه آپسالا سوئد اصطلاح ژئوپلیتیک را ابداع شد که بیانگر رابطه متقابل میان جغرافیا و سیاست است. این اصطلاح از زمان وضع آن از نظر مفهومی و فلسفی

شناور بوده و هنوز بر سر ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. ژیروید اتوتایل معتقد است که ژئوپلیتیک در قرن ۲۰ از تاریخ پرفراز و نشیبی برخوردار بوده و توانسته است در رساندن معنی کلی ارتباط بین جغرافیا و سیاست موثر باشد، اما معنی کردن ژئوپلیتیک کاری بس دشوار است. او معتقد است که کیلن و سایر متفکران امپریالیستی، ژئوپلیتیک را به عنوان بخشی از دانش استعماری غربی فهمیده‌اند که از روابط بین سیاست و عوامل جغرافیایی بحث می‌کند (Hafeznia, 2011:13). با وجود برداشتهای مختلفی که از ژئوپلیتیک وجود دارد، می‌توان از این رشته به عنوان «دانش روابط قدرت» نام برد. بر این اساس روابط دولتها و کشورها در نظام بین‌الملل تابع میزان قدرت آنها در ساختار قدرت جهانی است. به گونه‌ای که روابط کشورها از نوع رقابتی، تقابلی و تعاملی مبتی بر سلطه، زیرسلطه و توازن و احترام متقابل در سطوح مختلف جهانی، قاره‌ای و منطقه‌ای، همگی بیانگر میزان قدرت در رابطه میان دولتها و یا به تعبیری دیگر روابط قدرت بین آنها می‌باشد. لذا می‌توان گفت مطالعه این الگوهای روابط، کار ژئوپلیتیک است.

ژئوپلیتیک درصدد تبیین این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی از جمله سرزمین، جمعیت و منابع طبیعی همچون انرژی و آب بر روابط کشورها و تلاش آنها برای کسب قدرت و استیلای بر دیگران موثر است. یکی از منابع مهمی که سیاست بین‌الملل را به شدت متأثر نموده، مساله تامین آب شرب از رودخانه‌های بین‌المللی است. میزان تأثیر آب بر سیاست به حدی بود که اصطلاح هیدروپلیتیک مطرح شد. آنچه که باعث شد تا هیدروپلیتیک به عنوان یک دانش علمی پا به عرصه ظهور بگذارد یکی مساله آب به عنوان یک ماده حیاتی و کمبود آن در کره زمین با توجه به تغییرات اقلیمی و کمبود میزان بارش از یک سو و از سوی دیگر جایگاه محیط‌زیست در کشورهای صنعتی و توجه طرفداران محیط‌زیست به این مساله مهم است (Lavasani, 1994:68). واقعیت دیگر این است که نوع بشر در هر گوشه‌ای از این کره خاکی و لو با شرایط بسیار سخت و خشن طبیعی سکنی گزیده است یکی دیگر از مولفه‌های پیدایی دانش هیدروپلیتیک است؛ چرا که گروه‌های انسانی در هر نقطه‌ای از این کره خاکی که قرار گرفته باشند، بر سر منابع کمیاب و ارزشمند آب به رقابت پرداخته و اقدام به منازعه می‌کنند (Araghchi, 2015:12). عنوان نظری هیدروپلیتیک یا آب سیاست، ظاهراً نخستین بار در عنوان کتابی با نام «آب سیاست دره نیل<sup>۱</sup>»، نوشته جان واتربری<sup>۲</sup> به کار رفته است؛ کتابی که در سال ۱۹۷۹م. توسط دانشگاه سیراکیوز منتشر شده

1. *Hydropolitics of the Nile valley*

2. *John Waterbury*

است (Moradi tadi, 2017:74). از آن پس هیدروپلیتیک به عنوان زیرمجموعه ژئوپلیتیک وارد ادبیات سیاسی و دانشگاهی شد. کمبود رو به تزاید آب و منافع مشترک دولتها بر سر آبهای بین‌المللی نظیر رودخانه‌ها سبب گردیده که آب به عنوان عاملی تعیین‌کننده در سیاست بین‌المللی و روابط دولتها با همدیگر، نقش موثری داشته باشد. به بیانی دیگر هیدروپلیتیک به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاسهای مختلف می‌پردازد. نوع برهمکنش میان ملتها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از همکاری و سازگاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در برمی‌گیرد. با توجه به مصرف فزاینده آب در آینده و افزایش مصرف کشورهای فرادست‌رود در بهره‌برداری از این منابع، شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملتها هستیم. با توجه به این واقعیت برخی ژئوپلیتیسین‌ها، سده کنونی را «سده هیدروپلیتیک» می‌دانند و بر این باور هستند که اغلب درگیرها و جنگهای منطقه‌ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود. با ادامه این روند در آینده، عده‌ای معتقدند که آب به عنوان کالائی کمیاب و گرانبها به جای نفت در کانون رویارویی‌ها و آشتی‌ها قرار خواهد گرفت (Golkarami & kavyani, 2017:116). هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیریهای سیاسی در روابط میان کشورها با یکدیگر با روابط میان دولتها و مردم حتی در یک کشور می‌پردازد. کمبود آب یا اجازه عبور آب از مرزهای بین‌المللی به گونه‌ای روزافزون در روابط سیاسی دولتها و ملتهای خود و روابط کشورها با یکدیگر اثر می‌گذارد (Mojtahedzadeh, 2003:131). نود درصد مردم دنیا در کشورهای زندگی می‌کنند که دارای منابع آبی مشترک با کشورهای دیگر هستند. این وابستگی متقابل ممکن است باعث همکاری و صلح و یا مناقشه و تنش سیاسی میان کشورها شود. بیشتر منابع مشترک آب با مسالمت و از طریق مهندسی و دیپلماسی فرامرزی اداره می‌شود. بنابراین پرداختن به مسائل آبهای مرزی مشترک از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای مدیریت کردن آنها تا کنون بیش از ۳۸۰۰۰ بیانیه یا کنوانسیون و حدود ۳۰۰ معاهده بین‌المللی تدوین و تثبیت شده است (Ardakanian, 2005:3). در طول تاریخ رودخانه‌ها محل تبادل جریانهای سیاسی و محور تحولات مهم بوده‌اند که بر سر کسب امتیازهای بهره‌برداری از آنها، جنگهای متعددی میان کشورها به وقوع پیوسته است (Hafeznia & Nikbakht, 2002:47-48). در ۵۰ سال گذشته ۳۷ مورد خشونت بین کشورها بر سر آب گزارش شده است (Lotfali Zadeh and Ghavam, 2017:14)، که کشمکش میان کشورهای واقع در حوضه رود نیل از جمله مصر، سودان و اتیوپی می‌تواند یکی از این موارد باشد. ورود استعمارگران به شمال آفریقا باعث شد

تا قراردادهایی در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۲۹م. به منظور بهره‌برداری از نیل (مصر و سودان) به امضاء برسد. با گذشت بالغ بر ۵ دهه از قراردادهای مذکور، کشورهای بالادست از جمله اتیوپی، ضمن استعماری خواندن آن قراردادها، خواهان اصلاح آن و بهره‌برداری منصفانه از آب نیل هستند. آنچه که بر حساسیت هیدروپلیتیک نیل افزود، اقدام دولت اتیوپی در ساخت سد نهضت (رنسانس) در سال ۲۰۱۱م. و در اوج بی‌ثباتی سیاسی ناشی از انقلاب در مصر بود که از حمایت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل اسرائیل و غرب برخوردار بود.

### ۳- روش تحقیق

در این پژوهش، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. در این روش، مراجعه به کتب داخلی و خارجی، بررسی اسناد و مدارک، نشریات و مقالات و استفاده از سایتهای اینترنتی مورد توجه قرار گرفته است.

### ۴- محیط شناسی

نیل طولانی‌ترین رود جهان است که از آفریقای استوایی با پیچ و خم‌هایی تا کناره شرقی قاره آفریقا کشیده شده است و بیش از ۶۸۵۳ کیلومتر را طی نموده و به دریا مدیترانه می‌ریزد. ویژگی منحصر به فرد نیل که آن را از دیگر رودخانه‌های جهان متمایز نموده است، مسیر حرکت آن به سمت شمال و ورود به دریای مدیترانه است (barter,2002:20). جغرافیدانان و آبشناسان امروزی اشاره می‌کنند که آب فوق‌العاده زیاد رود نیل به تنهایی نمی‌تواند مربوط به نیل آبی و سفید باشد بلکه جریان آن از مجموعه‌ای پیچیده از صدها جویبار تشکیل شده است که راه خود را با پیچ و خم‌هایی به هم رسانده تا رود بزرگتری به نام نیل را شکل دهند. از این نظر، نیل دقیقاً به مجموعه‌ای از رودخانه‌ها توصیف می‌شود یا به تعبیری دیگر نیل، «رود رودها» است. علیرغم اینکه شاخه‌های رود نیل در مسیر حرکت نزدیک به ۱۱ کشور را تحت پوشش خود قرار می‌دهند و هرکدام از کشورهای فوق خواهان سهم خود از این رود هستند، اما بیشترین کشمکش از سال ۱۹۹۰م. به این سو ما بین سه کشور اتیوپی (سرچشمه نیل آبی)، سودان (نقطه تلاقی نیل آبی و سفید) و مصر (دلتای رود نیل) بوده است (Waterbury,1979:48).

## ۴-۱- اتیوپی

اتیوپی کشوری محصور در خشکی در شاخ آفریقا است. این کشور با ۱,۱۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت، بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. اتیوپی از شمال با اریتره، از غرب به سودان، از شرق و جنوب شرقی با سومالی و جیبوتی و در جنوب با کشور کنیا همسایه است. ارتفاع سطح و نحوه قرار گرفتن جغرافیایی باعث بوجود آمدن سه ناحیه آب و هوایی شده است: منطقه سرد، منطقه دمایی در ارتفاع ۱۵۰۰ تا ۲۴۰۰ متری و منطقه گرم که آب و هوای آن به صورت حاره‌ای و خشک است. فصل معمول بارندگی از نیمه ماه ژوئن تا اواسط ماه سپتامبر (در مناطق جنوبی طولانی تر است) می‌باشد که به دنباله بارشهای متناوب فوریه تا مارس می‌آید؛ مابقی ماههای سال خشک هستند (Grinberg, 2013). اتیوپی از لحاظ بوم‌شناسی کشوری با آب و هوای متنوع می‌باشد. دریاچه تانا در شمال سرچشمه نیل آبی است. با وجود آنکه سرچشمه اصلی نیل آبی یکی از شاخه‌های نیل بزرگ در این کشور قرار دارد، اما سهم این کشور تا قبل از آغاز بهره‌برداری از سد نهضت (رنسانس) حدود ۱ درصد بوده است. از مساحت ۳,۰۳۱,۷۰۰ کیلومتر مربعی حوضه نیل، ۳۵۶,۰۰۰ کیلومتر آن متعلق به اتیوپی است (Mokhtariheshi & Ghaderihajat, 2008:50).

## ۴-۲- سودان

جمهوری سودان با یک میلیون و ۸۸۶ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۳۸ میلیون نفر جمعیت در شمال شرقی آفریقا و در کنار دریای سرخ، میان مصر و اریتره است. آب و هوای سودان در شمال که پایتخت نیز در آن واقع شده، خشک و گرم و سوزان و تنها دو ماه از سال در آن بارندگی محدود وجود دارد. اما جنوب سودان به مراتب هوای خنک‌تری دارد. موسم بارندگی در سودان از ماه آوریل تا ماه سپتامبر است. رود نیل بیشترین بستر و درازای خود را در سرزمین سودان می‌پیماید و پس از آن به سوی مصر روانه می‌شود. دو رود نیل آبی و نیل سفید در ادامه مسیر خود در شهر خارطوم به همدیگر پیوسته و ادامه مسیر خود را در یک بستر می‌پیمایند و از این رو برخی از صاحب‌نظران سودانی بر این باورند که آیه مبارکه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» برخوردار دو رود بزرگ نیل در شهر خارطوم است و به راستی در فصل بارندگی که ارتفاع رود نیل به بالاترین سطح آن - یعنی عمق حدود ۲۰ متر - می‌رسد، به دریایی روان می‌ماند (Cockett, 2010). سودان ۱,۹۲۹,۳۰۰ کیلومتر مربع از مساحت حوضه نیل را به خود اختصاص داده است.

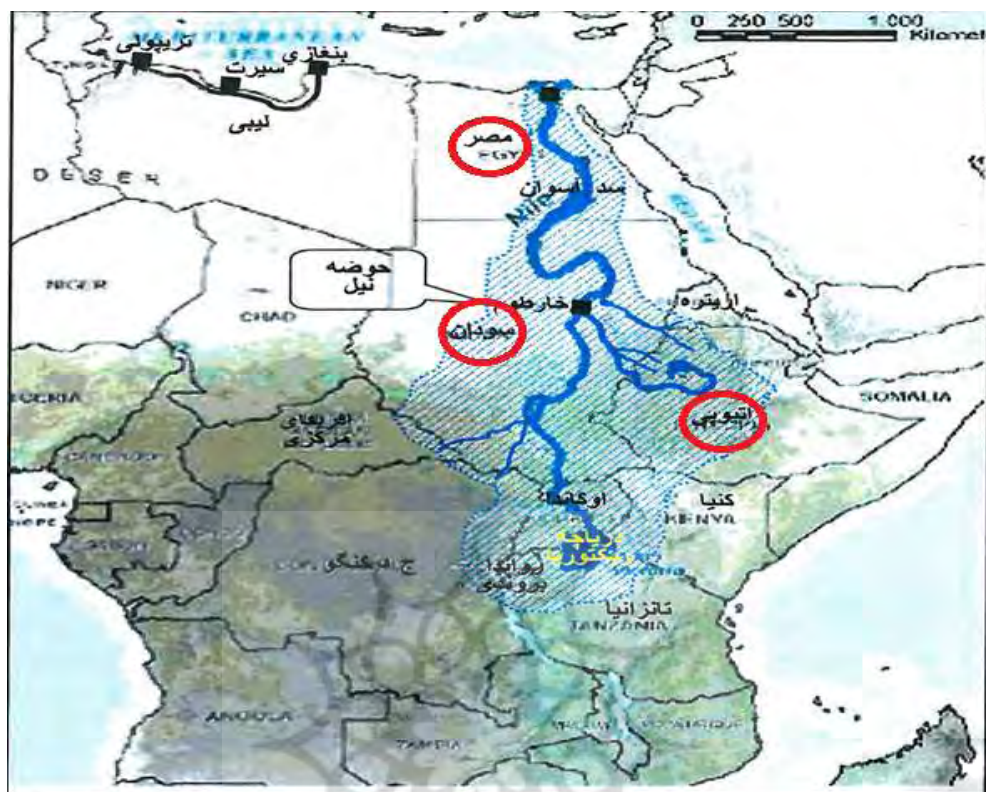


## ۴-۳- مصر

مصر در شمال شرقی قاره آفریقا است. این کشور با ۱۰۰۲۴۵۰ کیلومتر مربع مساحت، بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. مصر یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای آفریقایی و خاورمیانه است و اکثر جمعیت آن در کنار رود نیل زندگی می‌کنند. کرانه‌های رود نیل منطقه‌ای است که ۴۰ هزار کیلومتر مربع یعنی حدود یک بیست و پنجم این کشور و تنها زمین‌های بارور آن را تشکیل می‌دهد. بخش عمده این کشور، از بیابان تشکیل شده و جمعیت پراکنده‌ای را در خود جای داده است. مصر اساساً تمدنی رودخانه‌ای است. تمدنی که در طول حیات خود رابطه‌ای ناگسسته با رود نیل داشته است (Mohamadi, 2016:80). مصر آخرین کشوری است که رود نیل از آن می‌گذرد و سپس به دریای مدیترانه می‌ریزد. به این خاطر در محل پیوستن آن به دریا، دلتای نیل به وجود آمده که سرزمین اصلی کشاورزی این کشور است. در اطراف این رود نیز کشاورزی رونق بسیار زیادی دارد به طوری که تنها نقاط آباد مصر سواحل رود نیل می‌باشد. حدود ۲۷۷۰۰۰ کیلومتر مربع از مساحت حوضه نیل متعلق به کشور مصر است (Mokhtariheshi & Ghaderihajat, 2008:50).

جدول ۲. درصد و مساحت حوضه نیل در هریک از کشورها

کشورها	مساحت از حوضه/کیلومتر مربع	مساحت کل حوضه / درصد
سودان	۱۹۲۹۳۰۰	۶۳,۶۴
اتیوپی	۳۵۶۰۰۰	۱۱,۷۴
مصر	۲۷۷۰۰۰	۹,۱۴
جمع کل	۲۵۶۲۳۰۰	۸۴,۵۲



نقشه ۱. حوضه رود نیل

## ۵- یافته‌های پژوهش

پراکندگی میزان بارش در جهان بسیار ناهمگن بوده و به توزیع نامنظم آبهای شیرین در جهان کمک می‌کند، به طوری که ۴۰ درصد از خشکیهای کره زمین به سرزمینهای خشک و نیمه‌خشک در شمال آفریقا، استرالیا و خاورمیانه مربوط می‌شود که تنها ۲ درصد از آبهای شیرین جهان را در اختیار دارد (Shotar, 2007:60). جنگ بر سر آب یکی از حوادث تکراری تاریخ است که اگرچه در دوردها گهگاهی اتفاق افتاده است، اما در طول دهه‌های گذشته، بسیار تکرار شده و احتمال تکرار آن در آینده نیز قوت گرفته است. رابرت نورث و نازلی چوسری<sup>۱</sup> بر این باور هستند که جنگهای جهانی اول و دوم، بیشتر بر سر منابع کمیاب و تجدیدنپذیر رخ داده‌اند؛ در آینده نیز کشورهای مدرن و کشورهای جهان سوم به شدت بر سر منابع با هم درگیر خواهند بود (Hafeznia & Nikbakht, 2002:47) این درگیری برای منابع

1. Robert C. North & Nazli Choucri

تجدیدپذیر کمتر است، اما در مورد آب، وضع متفاوت خواهد بود؛ زیرا از یک سو ماهیت آب به گونه‌ای است که در یک مکان ساکن نبوده و از جایی به جای دیگر تغییر مکان می‌دهد. این ویژگی در چشم‌انداز جغرافیای سیاسی جهان موجب گردیده تا اختلاف، مذاکره و همکاری بر سر منابع آب، مدیریت منابع آب، مسائل زیست‌محیطی و نقش آب در توسعه اقتصادی، بخش جدائی‌ناپذیر تعاملات کشورها با یکدیگر و سیاست خارجی آنها تلقی گردد (Araghchi:2014:93) و از سوی دیگر نیز بالغ بر ۴۰ درصد جمعیت جهان در حوضه ۲۱۴ رودخانه مشترکی زندگی می‌کنند که همگی به آب آن رودخانه‌ها نیاز دارند. لستر براون<sup>۱</sup> در کنفرانس آب استکهلم، در گفتاری با عنوان اینکه «چگونه کمبود آب می‌تواند قرن آینده را شکل دهد»، تصریح کرده است که موضوع جنگهای آینده در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا آب است و نه نفت، مساله‌ای که کاملاً پذیرفته شده و تقریباً مورد اجماع است (Brown,2000:3).

در ارتباط با نسبت میان آب و جنگ تعاریف فراوانی شده است. به باور وستینگ<sup>۲</sup>: جنگ بر سر آب، به رقابت بر سر منابع آب شیرین محدود که به تنشهای سیاسی فرساینده و یا حتی جنگ منجر می‌شود، گفته می‌شود (Wolf, Yoffe & Giordano,2003:2). نمونه بارز این مساله اختلاف میان مصر، سودان و اتیوپی در مورد نحوه بهره‌برداری از رود نیل و سدسازی بر روی آن است (Moraditadi:2017:81). اختلاف سه کشور بر سر چگونگی استفاده از آب نیل، که ریشه آن به دهه ۱۹۹۰م. بر می‌گردد، الگوی روابط ژئوپلیتیکی میان سه کشور را متأثر نموده است. نیل طولانی‌ترین رودخانه جهان است که از بلندیهای منطقه گرمسیر استوایی در قاره آفریقا سرچشمه گرفته و پس از طی مسیری طولانی با گذر از میان کشورهای دهگانه از بخشهای شرقی قاره آفریقا به سمت شمال حرکت کرده و پس از طی مسیری طولانی وارد دریای مدیترانه می‌شود. از جمله ویژگیهای مهم این رودخانه که آن را در میان رودخانه‌های جهان شهره خاص و عام کرده است یکی گذر از میان بیابان آفریقا و دیگری حرکت از جنوب به شمال آن است. در میان رودخانه‌های موجود در جهان، نیل تنها رودخانه‌ای است که به علت گذر از بیابان میزان تبخیر آن زیاد بوده و قبل از رسیدن به دریای مدیترانه بالغ بر ۵۰ درصد از آب خود را به خاطر تبخیر از دست می‌دهد (Hillel,1994:76).

1. Lester Brown

2. Westing

مطالعات جغرافیدانان نشان می‌دهد که رود نیل حاصل مجموعه‌ای از چندین جویبار است که پس از طی مسیره‌های طولانی با یکدیگر تلاقی کرده و نهایتاً رود بزرگ نیل را به وجود می‌آورند. در مورد اینکه چرا نیل چنین مسیری می‌پیماید، هنوز برای بسیاری از کارشناسان مسائل اقلیم یک معما است؛ چرا که این رودخانه با وجود نزدیکی به دریای سرخ، به دریای مدیترانه سرازیر می‌شود. نگاه به مطالعات زمین‌شناسان نشان می‌دهد که چنین وضعی برخواسته از وضعیت زمین‌ساختی منطقه است که باعث رانش آفریقا از جنوب به شمال شده و مسیر حرکت نیز از آفریقای استوایی به سمت دریای مدیترانه دارای جهتی ملایم است. بیش از ۴۵۰۰ سال پیش مصریها، سودانیها و اتیوپیاییها موجودیت خود را مدیون رودخانه‌ای می‌دانستند که از مناطق مرتفع و باران‌گیر استوایی سرچشمه می‌گرفت. اما در این میان، نیاز مردم مصر به مراتب بیش از دیگر ساکنان همجوار نیل بود؛ چرا که در طی تابستان مصریان باستان منتظر سیلابهای سالانه نیل بودند که ضمن شستن زمینهای آنها، مواد آبرفتی برجایی می‌گذاشت. این مواد آبرفتی باعث به وجود آوردن دلتای نیل شد که دارای حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی در دوران بسیار قدیم بود. تاثیر رود نیل در کشاورزی مصر به حدی بود که مطالعات ادوار گذشته بخصوص آثار نویسندگان کتاب عهد عتیق نشان می‌دهد در ادواری که مردم مصر از زراعت و حاصلخیزی لذت می‌بردند، بقیه نقاط در اوج فلاکت به سر می‌بردند (Herodotus, 1942:60).

اگر از مصریان باستان سؤال می‌شد که مهمترین مساله برای شما چیست؟ به رود نیل و جریان مداوم این رودخانه طویل اشاره می‌کردند. با وجود آنکه مردم مصر در روزگار باستان اطلاع چندانی از شاخه‌های رود نیل نداشتند، اما آثار مثبت آن را بر زندگی خود درک می‌کردند. کار به جایی رسیده بود که مصریان نیل را عبادت می‌کردند، برای مداومتش قربانی می‌کردند و شاعران در وصف نیل اشعاری می‌گفتند. اما در شرایط فعلی، با گرم شدن کره زمین، خشکسالی و کمبود آب بخصوص در قاره آفریقا اهمیت رود نیل برای ساکنان همجوار نیل بیش از گذشته است. در گذشته به علت کمبود جمعیت و عدم توسعه کشاورزی و اقتصادی، ساکنان اطراف نیل به استثناء مصر که بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت آن در دلتای رود نیل امرار معاش می‌کردند، مساله آب نیل و میزان بهره‌برداری از آن چندان برایشان مهم نبود. اما با گذشت زمان، افزایش خشکسالی و کاهش منابع آب وضعیت عوض شد. از آنجا که بخش اعظم کشورهای همجوار نیل بخصوص اتیوپی، سودان و مصر از بیابان تشکیل شده‌اند، دولتمردان این کشورها به منظور بهره‌برداری از آب جهت آبیاری زمین و تولید غلات، اقدام به کانال‌کشی به نواحی بیابانی کرده‌اند.

با وجود جایگاهی که این رودخانه در زراعت، صنعت و توریسم کشورهای حاشیه نیل داشته، اما رعایت مسائل زیستی در آن چندان مورد توجه واقع نشده و بنا بر نظر صاحب نظران مسائل زیست محیطی، سالیانه بالغ بر چند هزار تن از انواع ضایعات شیمیایی در این رودخانه ریخته می شود. بدون شک چنین وضعی گذشته از اینکه ناقض پیمانهای مهم بین المللی در حوزه مسائل زیست محیطی است، تهدیدکننده ماهیان، میگوها، آبزیان دریایی و حیات کسان است که نیل را منبع تغذیه خود می دانند (Dodds, 2000:40).

از زمانهای قدیم که هر ساله رود نیل شروع به طغیان کردن می کرد این سیلها لجنزارهای حاصلخیز را بر روی زمین پراکنده می کرد و کمکی برای کشاورزان جهت بهره برداری بهتر از محصولات زراعی بود. اما بعضی مواقع میزان طغیان این سیلابها به حدی بود که به زمینهای کشاورزی و منازل حاشیه نشین رود نیل صدمات جدی وارد می ساخت و در بقیه نقاط سال خشکسالی همه جا را فرا می گرفت. اولین اقدام برای کنترل و مهار رود نیل در همان اوایل قرن بیستم میلادی صورت گرفت و این کار توسط استعمارگران اروپایی از جمله بریتانیا صورت گرفت. استعمارگران انگلیسی که به دنبال مهار و بهره برداری مناسب از آب رود نیل در کشور مصر بودند، توانستند رهبران مصری را برای اقدام خود توجیه نمایند. به همین خاطر مهندسان بریتانیایی نیز شروع به طراحی نقشه های سد نمودند تا بتوانند سیلاب سالیانه رود نیل را به خوبی مهار کرده و آن را در راستای افزایش و بهبود محصولات کشاورزی بخصوص پنبه و گندم به کار گیرند. حضور استعمارگران بریتانیایی در کشورهای حوضه نیل بخصوص مصر و اقدام آنها برای مهار رود نیل با استفاده از مجموعه ای از سدهای عظیم، گذشته از اینکه مانع از هدر رفتن آب می شد، با ذخیره مناسب آب، امکان آبیاری در تمام طول سال را فراهم می آورد. سد سازی بر روی نیل بیشتر به نفع مصریان تمام شد به گونه ای که به برکت صنعت سد سازی، کشاورزی مصر نسبت به دیگر کشورهایی که در حوضه رود نیل بودند، رشد چشمگیری یافت و میزان شکوفایی آن به حدی بود که مایه تعجب ساکنان دلتای نیل شده بود. سد سازی منجر به رونق تولید گندم و پنبه در مصر شد. بریتانیایی ها به دنبال آن بودند مقدار تولید گندم و پنبه را در مصر بالا برده و گذشته از نیاز محلی، قادر به صادر کردن آن به خارج از کشور باشند. کشورهای بریتانیا و ایالات متحده آمریکا از جمله مشتریان عمده گندم و پنبه مصر بودند و بخش اعظم آن را خریداری می کردند. گذشته از انگلیس و آمریکا، کشورهای دیگری همچون فرانسه و بلژیک از رونق کشاورزی مصر بی نصیب نبودند (Herodotus, 1942:72 - 84).

از آنجا که مهمترین دغدغه بریتانیا بعد از انقلاب صنعتی، تهیه و تولید پنبه برای صنایع ریسندگی و بافندگی این کشور بود، تمام تلاش خود را برای افزایش تولید پنبه در مصر انجام داد. استعمار بریتانیا در اولین اقدام در مصر کوشید تا مقدار آب ذخیره در این کشور را در طول سال افزایش دهد. برای حل این مشکل مهندسان بریتانیایی آنچه که در توان داشتند انجام دادند. به گونه‌ای که آنها اقدام به تهیه برنامه‌های آبیاری نمودند که در نوع خود بی‌نظیر و هیچ وقت به ذهن مردم مصر چه در دوره باستان و چه در آن موقع خطور نکرد. اقدام به تولید محصول در تمام طول سال نیازمند ساخت سد هایی بود که بتوانند آب را در خود ذخیره نموده تا هر وقت لازم باشد از آن استفاده شود. سد های ساخته شده قادر بودند با ذخیره کردن و مهار سیلاب سالیانه، آب لازم را برای کشاورزی در طول سال مهار نمایند. بنابراین کشاورزان مصری در طول سال قادر بودند چندین بار اقدام به تولید محصول نمایند و علاوه بر مصرف داخلی، بقیه را برای صادرات به مصر آماده نمایند.

در همین راستا در سال ۱۹۰۲م. در جنوب شهر آسوان سد کوچکی طراحی و به بهره برداری رسید. به مرور زمان در طرح این سد کوچک که تا آن زمان در نوع خود طرحی بی سابقه بود تغییراتی صورت گرفت به گونه‌ای که در طی سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۳۳م. مهندسان به منظور استفاده بهتر از نیل بر میزان ارتفاع این سد افزودند. اما علیرغم افزایش ارتفاع مشاهده شد که واقعا چنان سدی با چنان گنجایشی، توانایی بهره‌برداری از نیل را ندارد. نیاز به آب جهت مصرف و کشاورزی باعث شد تا در سال ۱۹۲۹م. نخستین قرارداد مربوط به بهره‌برداری از نیل به امضاء برسد. بر اساس پیمان سال ۱۹۲۹م. با امضای انگلستان و ایتالیا، بخش بیشتری از آب رود نیل به مصر و سودان می‌رسید و مصر دارای حق و تو بر پروژه‌های آبیاری و سد سازی کشورهای سرچشمه است. به گونه‌ای که بدون اجازه مصر، سودان و اتیوپی، حق ساختن هیچ مخزن آبی دیگری را نداشتند. در آن زمان مصر تحت استعمار انگلستان بود (Farshadgohr, 1988:56). بنا بر قرارداد سال ۱۹۲۹م، به علت فراوانی آب رودخانه نیل، سالانه حدود ۴۸ میلیارد مترمکعب آب وارد مصر و حدود ۴ میلیارد مترمکعب آب سهم سودان بود و در نتیجه حدود یک سوم آبهای نیل بدون استفاده وارد دریای مدیترانه می‌شد (Drysedale & Blake, 1996:128). پیشنهاد برای ساخت یک سد عمده در آسوان ضرورت تجدید نظر در قرارداد ۱۹۲۹م. را نمایان ساخت. در نتیجه قرارداد دیگری برای بهره برداری کامل از آب رود نیل در سال ۱۹۵۹م. به امضاء رسید. طبق آن قرارداد، مصر سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب آب دریافت می‌کرد، در حالی که سودان ۱۸,۵ میلیارد مترمکعب که افزایش نسبی آن به مراتب

بیش از مصر بود و حتی بیش از مقدار آبی که در آن سال نیاز داشته است، بهره برداری نمود. حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب آب هم از جهت تلفات تبخیر و تراوش در مخازن منظور شده است (Hillel, 1994:82). آنگیری سد آسوان (۱۹۷۰م.) در کشور مصر، منجر به تحول در حیات مصریان شد و همه جامعه مصر در این ثروت جدید شریک بودند. میزان تأثیر سد آسوان بر روی شکوفایی این کشور آفریقایی به حدی بود که برای نخستین بار میزان درآمد در این کشور به حدی فزونی یافت که بودجه لازم جهت سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و بهداشت و درمان فراهم شد. بخشی از بودجه کشور به ایجاد مدارس و توسعه مراکز علمی اختصاص یافت. وضع بهداشت و درمان در مصر به مراتب بهتر شد. دولت مصر اقدام به ساخت مراکز درمانی و بیمارستان در شهرها و مراکز درمانی در نواحی روستایی نمود. وجود بیماریهایی همچون سرخک، آبله و وبا که بسیاری از کودکان مصری و آفریقایی را از پای درآورده بود، کنترل شد. میزان طول عمر و امید به زندگی افزایش یافت. به منظور جلوگیری از شیوع بیماریها، دولت مصر اقدام به تاسیس سیستم فاضلاب شهری نمود. گذشته از تأمین آب شرب، کشاورزی و بهداشت و درمان، کارکرد دیگری که سد آسوان داشت تأمین برق بود. بدون شک فزونی صنعت برق در توسعه صنعتی مصر نیز تأثیر بسزائی داشت. به گونه‌ای که تعداد کارخانه‌ها از جمله کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی به واسطه تولید پنبه در این کشور فزونی یافت. بر رفاه مردم افزوده شد و اقبال مرفه در این کشور قادر به استفاده از وسایل نوین برقی در منزل خود بودند، چیزی که تا قبل از رونق برق چندان مرسوم نبود. محققان در مطالعات خود معتقد بودند که رود نیل کلید ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مصر شد (Mardokhi, 2008:60). رونق مصر تا زمانی که این کشور به تنهایی از نیل بهره‌برداری می‌کرد خوب بود؛ چرا که آب فراوان نیل تولید گندم، پنبه و برق در این کشور را به حد اشباع رسانده بود و گذشته از آنکه نیاز مصریان را تأمین می‌کرد، بخش بزرگی از تولیدات کشاورزی مصریان به کشورهای بزرگ صنعتی صادر می‌شد.

در مصر، بریتانیا پس از چندین سال بهره‌برداری از این کشور دریافت که میزان تولید پنبه و گندم آن دیگر در حدی نیست که بتواند تأمین‌کننده نیازهای این کشور صنعتی باشد. بنابراین آنها در محاسبات خود به این نتیجه رسیدند که اگر آنها توانسته‌اند با بهره‌برداری از رود نیل و سدسازی بر روی آن در درون این کشور، میزان تولید پنبه و گندم را به مقدار بسیار زیادی بالا ببرند، قادر خواهند بود که این کار را خارج از کشور مصر و در دیگر کشورهای حوضه نیل نیز به انجام برسانند. به همین خاطر در ادامه برنامه استعماری

خود کوشیدند که در کشورهای سودان و اتیوپی نیز نفوذ کنند. آنان به دنبال این بودند که با بهره‌برداری از نیل در خارج از مصر نیز به همان نتایجی برسند که در درون مصر به آن دست یافتند. لذا به منظور دستیابی به پنبه و گندم بیشتر به سودان و اتیوپی در قسمت علیاء رود نیل روی آوردند. بریتانیا به هنگام حضور در سودان و اتیوپی کوشید تا با ایجاد سدهای جدید بر روی نیل سفید و آبی بتواند حداکثر استفاده لازم را از آنها به عمل آورد. به گونه‌ای که بهره‌برداری صحیح از این شاخه‌ها در اتیوپی و سودان می‌توانست، آب مورد نیاز بالغ بر ۲۰ هزار کیلومتر از زمینهای کشاورزی اتیوپی و سودان را فراهم آورد (Mardokhi, 2008: 68).

دولت بریتانیا در ادامه روند سدسازی خود در کشورهای حوضه نیل این بار به اتیوپی روی آورد که سرچشمه نیل آبی یعنی دریاچه تانا در این کشور واقع است. در ۱۹۲۵م. انگلستان اولین سد را با ظرفیت بالغ بر ۷۶۰ میلیون مترمکعب بر روی نیل آبی ایجاد کردند. آنها تنها به این سد اکتفا نکردند و در سال ۱۹۳۷م. نیز بر روی نیل سفید، سد دیگری ایجاد کردند که میزان ظرفیت آن بالغ بر دو برابر ظرفیت سدی بود که آنها بر روی نیل آبی دایر کرده بودند. سدسازی بر روی نیل پی‌درپی ادامه داشت تا اینکه در دهه ۱۹۵۰م. دو سد بزرگ دیگر بر روی نیل سفید در کشور سودان ایجاد گردید. این کار در دهه‌های بعد نیز ادامه یافت. اما اوج آن در دهه ۱۹۶۰م. بود به گونه‌ای که سدهای بیشتری بر روی نیل توسط کشورهای سودان و اتیوپی ساخته شد. چنین روندی که کشورهای بخش علیای رود نیل یعنی سودان و اتیوپی در زمینه سدسازی و بهره‌برداری آب نیل در پیش گرفته بودند برای کشور مصر که در بخش سفلی نیل بود چندان خوشایند نبود چرا که برداشت مازاد آب توسط کشورهای بالادست بر تامین آب این کشور و اقتصاد کشاورزی آن تاثیر منفی می‌گذاشت (Smith, 1966: 111-128).

ساختن سد در قسمت بالادست باعث شد تا سدهای مصر در زمینه استفاده از سیلابهای سالیانه رود نیل شرکای جدیدی پیدا کنند. این مساله باعث می‌شد تا برخلاف گذشته که سدهای مصر از آب پر می‌شدند، مقدار ذخیره آبی آنها کاهش یابد. پیامد منفی چنین وضعی برای مردم مصر این بود که مردم این کشور از میزان آب مورد نیاز خود در فصل خشک سال جهت فعالیت کشاورزی بی‌نصیب شوند. دولت مصر که از چنین اتفاقی بسیار متحیر شده بود، چاره‌ای جز التماس از دولت بریتانیا نداشت. مصریها از دولت بریتانیا تقاضا کردند که روند سدسازی را در قسمت علیای نیل در سودان و اتیوپی متوقف سازند تا آب لازم برای ذخیره در سد آسوان با محدودیت مواجه نشود. دولت بریتانیا به خواسته مصریها توجهی



نکرد و با توجه به نفوذی که در کشورهای اتیوپی، سودان و مصر داشت، سدسازی را ادامه داد زیرا آنچه که برای بریتانیا مهم بود منافع ملی این کشور بود. مساله کاهش منابع آب در بخش سفلی رود نیل نتیجه درخواست آن در بالادست بود. در نتیجه سدهایی که بریتانیا در سودان و اتیوپی ساخت، باعث رونق اقتصادی این کشورها شد و آنچه را که مصریها در دهه‌های قبل به آن دست یافته بودند، در این برهه نصیب کشورهای بالادست حوضه نیل شد (Grinberg, 2013).

کشورهای سودان و اتیوپی که در گذشته بسیار فقیر بوده، در نتیجه سدسازی از بهداشت و تغذیه مناسب‌تری برخوردار شدند و امید به زندگی در میان آنها افزایش یافت. چنین وضعیتی منجر به افزایش جمعیت در این دو کشور شد و فزونی جمعیت نیز درخواست برای آب را بیشتر کرد. مساله‌ای که باعث پیچیدگی آب نیل و نحوه بهره‌برداری از آن شده است. این یک واقعیت بود که مصریها علیرغم اینکه بیشتر از دیگران از بی‌آبی رنج می‌بردند، بیشتر از دیگران از نیل بهره می‌بردند. دانیل هیلل استاد دانشگاه ماساچوست آمریکا معتقد است که الگوی درخواست و استفاده از آب در حوضه رود نیل با الگوی تامین آن در تضاد است. معضل این است که کشورهایی که بخش عمده آب را تامین می‌کنند کمتر از دیگران از نیل سهم می‌برند. نواحی مرطوب استوایی که در بخش علیاء رود نیل واقع شده‌اند، کمتر از آب این رودخانه استفاده می‌کنند زیرا که آب و هوای مرطوب آبیاری را غیر ضروری می‌سازد. اتیوپی، سودان و بخصوص مصر بیشترین استفاده را از رود نیل می‌کنند، اما در تامین آب، کمترین دخالت را داشته‌اند (Hillel, 1994: 122). سدسازی در قسمت بالادست نیل و مشکلاتی که رفته رفته برای کشور مصر درد سرساز می‌شد، باعث شد تا مصریان در اواسط دهه ۱۹۵۰م. به جای اتکاء به سیل سالیانه مصر، به فکر روش دیگری برای تامین آب خود بیفتند. به همین خاطر ساخت سد بزرگتری را در نزدیکی‌های سد قدیمی آسوان را در دستور کار خود قرار دادند.

ایده ساخت سد بلند آسوان به زمان جمال عبدالناصر بر می‌گردد او با توجه به نیاز مفرط مصر به آب، سد بزرگی به نام سد بلند آسوان در جوار سد قدیمی را در دستور کار دولت قرار داد. ناصر هدف از ساخت چنین سدی را مهار بیشتر آب، افزایش ذخیره آن برای استفاده در فصل خشک و همچنین تامین برق دانست. از نظر جمال عبدالناصر آینده مصر در گرو ساخت این سد بود. این سد که با طرحی عظیم و برای جلوگیری از طغیان‌های رودخانه نیل ساخته شده است، به برقراری جریان مداوم آب در تمام طول سال کمک کرده و همچنین برق کارخانه‌ها و منازل مسکونی شهرهای گوناگون کشور مصر را تامین

می‌کند. برنامه‌ریزی برای ساخت این سد در آلمان صورت گرفت. این پروژه عظیم قرار بود که با کمک مالی غریبها راه اندازی شود اما چون به واسطه ملی شدن کانال سوئز رابطه میان مصر و غرب تیره شده بود جمال عبدالناصر برای تکمیل این سد روی کمک مالی شوروی حساب باز کرد و در نهایت با کمک مالی آنها عملیات سد بلند آسوان در آغاز دهه ۱۹۶۰م. آغاز شد. این سد که از خاک و سنگ گرانیت، خاک رس و سیمان ساخته شده است عرض آن برابر با ۶۳ کیلومتر، طول آن برابر با ۱۱۱ متر، قطر تاج آن ۴۰ متر و ضخامت پایه سد که بر بستر رودخانه قرار داشت حدود ۹۲۵ متر است (Waterbury, 1979:36). این سد که در ۶ کیلومتری سد قدیمی آسوان ساخته شد و سد گرانشی (ثابت ماندن بر نیروی گرانش زمین) نام داشت، نهایتاً در سال ۱۹۷۰م. با حضور مقامات کشورها از جمله مقامات مصر و شوروی به بهره برداری رسید. به هنگام انباشته شدن آب رودخانه در پشت این سد، مخزن آبی به طول بیش از ۵۰۰ کیلومتر تشکیل می‌شود. با مرگ جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور فقید مصر (۱۹۷۰م.)، این مخزن بزرگ آبی به نام «دریاچه ناصر» نامگذاری شد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که هیچ سهمیه‌ای برای اتیوپی و سایر کشورهای حوضه نیل در نظر گرفته نشده است (Cooley, 1984:22).

تا دهه ۱۹۹۰م. مشکل چندانی بین کشورهای مصر، سودان و اتیوپی پیش نیامد. اما یک دگرگونی چشمگیر که می‌توان آن را برآمده از بافت مردمی - سیاسی و توانمند شدن گروه سیاسی جبهه ملی اسلامی دانست در دهه ۱۹۹۰م. در پیوند میان مصر و سودان بر سر آب رود نیل روی داده است. با به قدرت رسیدن نظام جبهه ملی اسلامی در سال ۱۹۸۹م. پاسداری از سهم سودان از آب رود نیل به عنوان یکی از مهمترین مسائل سیاست خارجی سودان تبدیل شد. در سال ۱۹۹۱م. به موجب پیمانی که میان سودان و اتیوپی بر سر بهره‌گیری عادلانه از رود نیل بسته شد، روابط میان مصر و سودان به هم خورد. چنین پیمانی بیانگر به رسمیت شناخته شدن حق اتیوپی در بهره‌برداری عادلانه از رود نیل بر اساس قوانین جهانی است، مسأله‌ای که به ضرر مصر تمام شد. لذا چنین پیمانی زمینه کشمکش میان مصر و سودان را فراهم ساخت. چنین پیمانی که میان اتیوپی و سودان بسته شد به گونه‌ای به پیمان سال ۱۹۵۹م. میان مصر و سودان لطمه وارد کرد چرا که با پیمان جدید اتیوپی نیز به جرگه مدعیان جدی آب حوضه نیل پیوست

(Khani & Agha Sayed Abulghasem, 2012:169) سوءقصد نافرجام به جان حسنی مبارک در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی در سال ۱۹۹۵م. باعث تیره شدن روابط میان مصر با سودان شد. آنچه که ابعاد این ماجرا را بسیار پیچیده کرد مضمون بودن به دست داشتن گروههای تندرو اسلامی در این ماجرا بود. چند

روز بعد از این اتفاق حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر، ترابی رهبر جبهه ملی اسلامی سودان را متهم به دست داشتن در سوء قصد به جان خود کرد و به آنها هشدار داد در صورتی که چنین اتفاقی دیگر تکرار شود با واکنش مصر مواجه خواهد شد. پس از اینکه حسن‌الترابی رهبر اسلامی سودان تهدید کرد که سهم آب مصر را از این کشور خواهد گرفت، مصر به او هشدار داد که با آتش بازی نکند. جدال میان دو کشور از مجادله سیاسی فراتر رفت. گشتهای نظامی دو کشور در جزیره حلایب با یکدیگر درگیر شدند و حاصل این برخوردهای نظامی کشته شدن چند سودانی بود. به این ترتیب بعد از سالها، حوضه رود نیل شاهد برخورد مصر و سودان ملقب به «پسران دره رود نیل» بود. علیرغم آنکه سودان پیوندهای راهبردی خود با مصر را همچنان پس از سه دهه متوالی نگه داشته است، اما دیپلماسی این کشور با اتیوپی و بستن پیمان‌نامه با آن و بی‌توجهی به مصر را می‌توان نوعی بی‌حرمتی به پیمانهای این کشور با مصر دانست. چنین اقدامی از سوی سودان نتیجه اوضاع نابسامان داخلی این کشور عربی - افریقایی بود. به طور کلی می‌توان نابرابری ساختار جامعه سودان و کمبود منابع زیست محیطی را عامل دگرگونی بافت جمعیتی این کشور و عاملی در راستای کاهش توانمندی مصر در سودان قلمداد کرد.

اما از اواسط دهه ۱۹۹۰م. در نتیجه تقاضای فزاینده مبتنی بر طرحهای جدید آبیاری، رشد جمعیت و سطح بالاتر زندگی، رقابت بر سر حقبه آب نیل میان سه کشور فوق‌الذکر بالا گرفت. دولتهای حوضه نیل در گذشته از میزان نیاز خود به آب این رودخانه اطلاع چندانی نداشتند و از همین رو تنها به مقدار اندکی از آب این رودخانه برای مصارف شرب و کشاورزی بسنده می‌کردند. اکنون به دلیل توسعه طرحهای کشاورزی در پی افزایش جمعیت، این رویکرد به سمت استفاده بیشتر از آب نیل که پیامدهای آن آشکار شده است، تغییر یافته است. کارشناسان می‌گویند کشور مصر تا سال ۲۰۵۰م. نیازمند ۲۱ میلیارد مترمکعب آب فراتر از سهمیه کنونی‌اش خواهد بود. در غیر این صورت نمی‌تواند نیازهای جمعیت خود را تامین کند. همانگونه که دولتهای حوضه دهانه رود نیل با ایجاد سد (مانند سد آسوان در مصر و برخی سدها در سودان) در پی استفاده بهینه از آب رود نیل مانند تولید برق و استفاده برای مصارف کشاورزی هستند. برخی کشورهای سرشاخه نیل مانند اتیوپی و اوگاندا نیز در پی ساخت سد برای تولید انرژی برق هستند. اتیوپی به عنوان یکی از سرشاخه‌های اصلی رودخانه نیل در برنامه پنج ساله دوم خود (۲۰۱۵ - ۲۰۲۰) درصدد است تا تولید برق خود را از ۲۲۰۰ مگاوات به بیش از ۱۷ هزار مگاوات برساند. در سال ۱۹۹۹م. کشورهای حوضه رود نیل از مصر، اتیوپی و سودان گرفته تا برونڈی، رواندا، کنیا، اوگاندا، کنگو و.. که در

مجموع ۱۱ کشور می‌باشند توافقنامه‌ای را موسوم به توافقنامه «ابتکار عمل دولتهای حوضه نیل» به امضاء رساندند. چنین توافقنامه‌ای که نتیجه اعتراض کشورهای بالادست نیل به میزان سهم کشورهای پائین دست بود، نتوانست آنچنان که باید و شاید کارساز باشد. در پی افزایش تنش در روابط این کشورها و کاهش شدید میزان آب، جلسات متعدد دیگری برگزار شد تا اینکه در سال ۲۰۱۰م. کنفرانس دیگری به ابتکار کشورهای واقع در قسمت علیاء رود نیل برگزار شد. در این کنفرانس توافقنامه‌ای به نام «عتیبی» میان نمایندگان کشورهای برون‌دی، اتیوپی، کنیا، رواندا، تانزانیا و اوگاندا به امضاء نهایی رسید. مفاد این کنفرانس تعیین چهارچوب همکاری و اصلاح توافقنامه قبلی نیل بود. در این توافقنامه کشورهای سودان و مصر به عنوان بزرگترین کشورهای مصرف‌کننده آب نیل با بیان اینکه حقوق آنها در توافقنامه مذکور نادیده گرفته شده است از امضای آن خودداری کردند.

در سال ۲۰۱۱م. و در میان اعتراض کشورهای حوضه نیل، بخصوص در سایه بی‌ثباتی سیاسی در کشور مصر که نتیجه بهار عربی و ساقط شدن حسنی مبارک از قدرت بود، دولت اتیوپی با حمایت پیدا و پنهان قدرتهای منطقه‌ای و جهانی عملیات ساخت سد نهضت (رنسانس) را آغاز کرد. هدف قدرتهای خارجی از جمله اسرائیل از حمایت از ساخت سد رنسانس ایجاد چالش ژئوپلیتیکی برای مصر است. استفاده از این متغیر بارها و بارها توسط قدرتهای خارجی اعم از منطقه‌ای و جهانی بر علیه مصر و سودان در خاورمیانه و شمال آفریقا صورت گرفته است. نگاه به موقعیت جغرافیایی مصر و تا اندازه‌ای سودان نشان می‌دهد که این دو کشور بخصوص مصر از کشورهای دخیل در تحولات منطقه خاورمیانه هستند. نقل است که می‌گویند هیچ جنگی در خاورمیانه بدون سوریه (قبل از ۲۰۱۴م.) و هیچ صلحی در منطقه بدون مصر (قبل از ۲۰۱۱م.) اتفاق نخواهد افتاد. در زمان حکومت مبارک بر مصر و بر اساس قرارداد کمپ دیوید (۱۹۷۹) رابطه مصر و اسرائیل مسالمت‌آمیز بود و شاید صمیمی‌ترین دوست اسرائیل در منطقه، مصر بود. اما بعد از وقوع بهار عربی که باعث ساقط شدن حاکمان دیکتاتور در شمال آفریقا از جمله مبارک در مصر شد. دوران دوستی میان مصر و اسرائیل تقریباً به سرآمد. لذا دولتمردان اسرائیل علیرغم سقوط اخوان‌المسلمین و سرکار آمدن ژنرال عبدالفتاح سیسی، همواره نگران تحولات سیاسی در مصر بوده و برای اینکه از این بابت خیالشان راحت باشد، کوشیده‌اند تا از تمام عوامل برای ضربه زدن به امنیت این کشور عربی استفاده کنند.

اسرائیلیها در اولین ابتکار خود در سال ۲۰۱۱م. برای ضربه زدن به مصر و سودان به عنوان کشورهای تشنه و نیازمند به نیل، ابتدا و در اولین اقدام، در طرح تجزیه سودان جنوبی مشارکت جدی نمودند؛ چرا که سودان جنوبی یک کشور غیرمسلمان و سرشار از منابع انرژی از جمله نفت بود و از سوی دیگر شاخه نیل سفید پس از حرکت از دریاچه ویکتوریا وارد سودان جنوبی شده و بعدا وارد سودان شمالی و نهایتا مصر می شد یعنی در واقع رژیم اسرائیل با استفاده از جغرافیای سودان جنوبی عملا سودان و مصر را دچار چالش ژئوپلیتیکی کرد (Mohammadi, 2011:42). از سوی دیگر می توان به پیوند میان اسرائیل و اتیوپی اشاره کرد. وجود قبایل یهودی در اتیوپی که در اطراف سرچشمه های نیل آبی زندگی می کنند، در پیوند میان اسرائیل و اتیوپی موثر بوده است. این قبایل یهودی که به «یهودیان فلاشا»<sup>۱</sup> معروف هستند در سال ۱۹۸۴م. حدود ۱۰۰ هزار نفر از آنها در راستای افزایش تعداد یهودیان در برابر مسلمانان و اعراب فلسطینی به اسرائیل کوچانده شدند و قرار بود تا سال ۲۰۰۷م. تعداد ۲۰۰۰۰ نفر باقیمانده نیز به اسرائیل منتقل شوند، اما به دلیل نیاز رژیم تلاویو به استفاده ایزاری از آنها و تحت فشار قرار دادن مصر و سودان در مواقع اضطراری از طریق تهدید به ایجاد سد و تاسیسات آبی و عمران مناطق محل سکونت آنها، تمایلی به کوچاندن آنها ندارد (Mokhtariheshi & Ghaderihajat, 2008:52). اسرائیل در نظام سیاسی اتیوپی بسیار نفوذ کرده است تا از این طریق بتواند از این کشور نیز برای ایجاد محدودیت بر علیه سودان و علی الخصوص مصر استفاده نماید؛ چرا که سرچشمه نیل آبی در این کشور واقع شده است. در حال حاضر صدها مستشار نظامی اسرائیل در اتیوپی مشغول تقویت ارتش آن کشور می باشند. به طور کلی هدف اصلی اسرائیل از این کار تضعیف مصر از راه ایجاد محدودیت در منابع آبی آن کشور به عنوان دشمن قدیمی و رقیب کنونی خود می باشد. در سال ۱۹۸۹م. مصر سفیر اتیوپی را در قاهره برای ادای توضیحاتی در مورد فعالیت هیدرولوژیستها و مهندسان اسرائیلی<sup>۱</sup> در این کشور و برنامه آنها برای احداث سد بر روی نیل آبی که گنجایش آن حدود ۵۱ میلیارد متر مکعب تخمین زده می شد، احضار کرد. در همان زمان نمایندگان مجلس مصر خواستار اقدام نظامی علیه آدیس آبابا شدند. مساله دیگر دخالت قدرتهای غربی در این زمینه است که با اعطای وام به اتیوپی در عملیاتی شدن سد رنسانس نقش بسزائی داشته اند. اعمال فشار مصر به بانک توسعه آفریقا در ندادن وام به اتیوپی در سال ۱۹۹۰م. باعث شد تا اتیوپی به قدرتهای اروپایی روی

آورد. اتیوپی در سال ۲۰۰۹م. حدود ۳ میلیارد دلار از کشورهای اروپایی وام گرفت. گذشته از اتیوپی، قدرتهای اروپایی اقدام به سرمایه‌گذاری در دیگر کشورهای بالادست نیل نموده‌اند.

در سال ۲۰۱۳م. پارلمان اتیوپی موافقتنامه‌ای برای تقسیم آب نیل تصویب کرد تا جایگزین پیمان دوران استعمار این کشورها شود. اتیوپی قصد داشت که با ساختن این سد سهم عادلانه‌تری از آب نیل بدست آورد و به مصر و سودان اطمینان داده بود که هیچ صدمه‌ای به آنها نخواهد زد. با توجه به ظرفیت ۶ هزار مگاواتی تولید برق سد نهضت نه تنها اتیوپی به خودکفائی در زمینه تولید برق دست خواهد یافت بلکه به یک صادرکننده برق در منطقه حتی به مصر تبدیل خواهد شد. انتخاب نام نهضت (رنسانس) توسط اتیوپی برای این سد، تصادفی نبوده است. آنچه در حال شکل‌گیری است، رنسانس اتیوپی به عنوان قدرت منطقه‌ای مجهز به آن ویژگی‌هایی است که تاکنون نداشته است. اتیوپی که ساخت این سد را در دهه دوم قرن ۲۱ میلادی آغاز کرده، قرار بود تا سال ۲۰۱۵م. به پایان برساند؛ اما تاکنون به پایان نرسانده و گفته می‌شود که حدود ۶۳ درصد آن، تکمیل شده است. سد نهضت با مخزن حدوداً ۷۰ میلیارد مترمکعبی با شش هزار مگاوات ظرفیت، بزرگترین سد قاره آفریقا و دهمین سد جهان در زمینه تولید برق خواهد بود که سه برابر تولید برق سد آسوان می‌باشد. این سد در منطقه مرزی اتیوپی و سودان ساخته می‌شود و دارای ۱۴۵ متر ارتفاع و ۱۸۰۰ متر طول تاج می‌باشد. پروژه ساخت سد نهضت با هزینه ۴/۸ میلیارد دلار توسط شرکت ایتالیایی سالینی اجرا شده است. در حالی که انتظار می‌رفت که مراحل ساخت این سد تا پایان سال ۲۰۲۰م. به پایان برسد، بنا بر گفته نخست‌وزیر اتیوپی (۲۰۱۸م.) ساخت آن تا چند سال دیگر به تاخیر خواهد افتاد. علت عمده این تاخیر همان مخالفت جدی مصر و بعضاً سودان با آن است. این کشورها معتقدند که بهره‌برداری از این سد برای اتیوپی یک رنسانس محسوب می‌شود، اما برای آنها که در قسمت سفلی رود نیل واقع شده‌اند آغاز تباهی می‌باشد.

به گونه‌ای که حتی تضمین پارلمان اتیوپی نیز نتوانسته که آنها را مجاب به بهره‌برداری اتیوپی از رود نیل نمایند. برخلاف سودان، مصر به شدت با نهایی‌شدن سد رنسانس مخالفت کرده و مقامات آن، اتیوپی را تهدید به تقابل ژئوپلیتیکی نموده‌اند؛ چرا که بالغ بر ۸۰ درصد از جمعیت آن کشور در کرانه‌های رود نیل یعنی در ۳,۵ درصد از خاک مصر زندگی می‌کنند (Barzgar, 2007: 204). بدون شک در کوتاه مدت، کاهش آب رود نیل با توجه به جمعیت روزافزون مصر و ۹۵ درصد مصرف آب نیل، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد مصر بگذارد. بخصوص اینکه در دلتای نیل، یعنی جایی که آب وارد قاهره می‌شود و

بخصوص از قاهره به بعد، جمعیت انبوهی ساکن هستند و مصری‌ها روی کشاورزی این قسمت سرمایه‌گذاری کرده‌اند. مصری‌ها درآمد نفتی ندارند، صادرات خرما دارند. در نتیجه کاهش آب، نه تنها ضربات زیادی را به بخش کشاورزی و بخش شهری مصریان می‌زند، بلکه به لحاظ اقلیمی نیز منجر به گرمی هوا در این کشور می‌شود (Ghanadbashi, 2018).

از سال ۱۹۹۵م. که در حاشیه نشست سازمان وحدت آفریقا حسنی مبارک مورد سوء قصد قرار گرفت. روابط مصر و اتیوپی قطع گردید. انقلاب مردم مصر و سرنگونی حسنی مبارک و ناآرامیهای پس از آن، فرصت بسیار مناسبی برای اتیوپی جهت تحقق رویای ساخت سد نهضت فراهم آورد. محمد مرسی، رئیس‌جمهور دولت انقلابی مصر که پس از سرنگونی مبارک بر سر کار آمده بود در سخنانی تهدید آمیز گفت: به عنوان رئیس‌جمهور مصر هشدار می‌دهم که چنانچه لازم باشد، به گزینه نظامی متوسل خواهیم شد؛ چرا که از نظر مرسی رودخانه نیل برای مصر موهبت و مصر نیز برای نیل موهبت است. پس از آن سخنگوی وزارت امور خارجه اتیوپی، در پاسخ اظهار داشت که اتیوپی از «سایکواستراتژی»<sup>۱</sup> که مصر به راه انداخته است باکی ندارد و حتی کار ساختمان سد را نیز رها نخواهند کرد. این کشور هرگونه حق تاریخی مصر بر آبهای رودخانه نیل را رد می‌کند و آن را بیشتر «حقوق مستعمراتی غیرقانونی» به حساب می‌آورد.

#### – نگرش مصر و سودان نسبت به ساخت سد رئسانس

مطالعات صورت گرفته در مورد مصر و سودان نشان می‌دهد که این دو کشور که از ابتدای قرن بیستم تا به امروز بیشترین استفاده را از آب نیل برده‌اند، نگاه و نگرانی یکسانی نسبت به ساخت این سد عظیم ندارند. به گونه‌ای که مصریها نگاه بدبینانه‌ای نسبت به ساخت این سد دارند و آن را تقریباً برابر با از رونق افتادن این کشور عربی می‌دانند که حیات و ممانت آن در طول تاریخ مدیون این رود و شاخه‌های آن بوده و تمام تحولات را در این زمینه به شدت دنبال می‌نمایند. اما در عوض سودانیها که این سد در حد فاصل مرز میان این کشور و اتیوپی ساخته می‌شود و در فاصله تقریباً ۴۰ کیلومتری این کشور قرار دارد نه تنها نگرانی ندارند، بلکه اتفاقاً با دیده مثبت به این قضیه نگاه می‌کنند. بدون شک نگاه مثبت سودانیها بر خلاف مصریها، حکایت از مزایای ساخت این سد برای آنها دارد.

### ۱- دلایل مخالفت مصر با ساخت سد نهضت

**الف -** ذخیره حدود ۷۰ میلیارد مترمکعب آب در پشت یک سد به معنای تهدید دائم مناطق پایین دست می‌باشد. از دیدگاه مصریها در صورتی که به واسطه جنگ و یا سیلابهای مخرب سرشاخه‌های نیل، سد نهضت بشکند عملاً همه شهرهای مسیر تا دریای مدیترانه نابود خواهد شد. **ب -** سد نهضت موجب تبخیر مقدار قابل توجهی از آب رودخانه و در نتیجه کاهش میزان آب جاری رودخانه به پائین دست خواهد شد.

تخمین زده می‌شود هر سال حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب که حدود یک هشتم آب نیل می‌باشد در دریاچه سد آسوان تبخیر می‌شود. **ج -** آبگیری سریع سد نهضت در طول سه سال با توجه به مخزن حدوداً ۷۰ میلیارد مترمکعبی (حجم مخزن سد از ۶۳ تا ۷۴ میلیارد مترمکعب برآورده شده است) آن، از حرکت نزدیک به یک سوم آب نیل به سمت مصر جلوگیری می‌کند. لذا این اقدام به معنای کاهش ۵۰ درصدی سهمیه کنونی مصر از نیل می‌باشد که تأثیرات بسیار مخربی بر کشاورزی مصر خواهد داشت. **د -** ذخیره آب در سد نهضت عملاً موجب کاهش توان سد آسوان در تولید برق خواهد شد که با توجه به بحران انرژی در مصر و گرانی اخیر بهای سوخت در آن کشور عملاً مصر را با بحران جدی در زمینه برق و انرژی روبرو خواهد کرد. **ذ -** به لحاظ وضعیت اقلیمی نیز، کاهش جریان آب می‌تواند آب و هوای مصر را دستخوش تحول نموده و منجر به یک اقلیم گرم و خشک در بخشهای زیادی از کشور مصر شود.

### ۲- دلایل نگاه مثبت سودان به ساخت سد رنسانس

همانطور که در بالا گفته شد موضع سودان نسبت به ساخت سد نهضت برخلاف مصر مثبت ارزیابی می‌شود چرا که سودانیها امیدوار هستند، از نزدیکی جغرافیایی به سد نهضت در مرز این کشور با اتیوپی، حداکثر استفاده را برده و بتوانند از مزایای این سد به نحو احسن استفاده نمایند. دولتمردان خارطوم امیدوار هستند که ساخت این سد بتواند مزایای زیر را برای آنها فراهم نماید: **الف -** میزان ظرفیت آبیاری را به مقدار بیشتری بالا می‌برد. **ب -** موجب افزایش تولید برق در این کشور می‌شود **ج -** با توجه به فراوانی زمین و حاصلخیزی آن در کشور سودان، زمینه لازم را برای مشارکت دو کشور در پروژه‌های کشاورزی فراهم می‌آورد. **د -** با توجه به اینکه سودان محل تلاقی دو رود نیل آبی و نیل سفید است و همچنین بخش اعظم رود نیل در خاک سودان به سمت شمال، مصر و مدیترانه جریان می‌یابد، از وقوع ناگهانی سیلابهای



طغیانگر در این کشور جلوگیری می‌کند. ذ - با توجه به وسعت زیاد حوضه آبریز رود نیل در کشور سودان، این اتفاق به لحاظ اقلیمی نیز می‌تواند منجر به تعادل بهتر هوا شود.

به دلیل شرایط جغرافیایی و پستی و بلندیهای اطراف دریاچه سد در خاک اتیوپی امکان بهره‌برداری از آبهای دریاچه سد محدود باقی می‌ماند. در مقابل با کنترل سیلابهای نیل توسط سد جدید، زمینهای هموار و بسیار حاصلخیز سودان که در پایین دست سد قرار گرفته از امکان آبیاری منظم برخوردار خواهند شد. برخی مطالعات امکان زیرکشت رفتن ۵۰۰ هزار هکتار زمین مرغوب را در سودان با ساخت سد نهضت را مطرح کرده‌اند (Salehi, 2017). بنابراین ملاحظه می‌شود تکمیل این سد دارای بیشترین مضرات برای کشور مصر است و سودانیها بیشتر از آنکه متضرر شوند، متنفع می‌شوند. علیرغم درخواستهای مکرری که مصریها از دولت اتیوپی برای بررسی تأثیرات منفی سد نهضت بر روی کشور خود داشته‌اند، نتیجه‌ای لحاظ نشده است. اتیوپی تاکنون به درخواستهای مصر مبنی بر لزوم انجام مطالعات فنی برای بررسی تأثیرات منفی احداث سد نهضت بر مصر بی‌توجه بوده و عملاً تلاش کرده آن کشور را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. اتیوپی همچنین درخواست میانجیگری برخی کشورهای عربی برای شروع مذاکرات فنی بین اتیوپی، سودان و مصر را بی‌پاسخ گذاشته است. از ابتدای مطرح شدن ساخت سد نهضت، مصر تلاش کرد اتیوپی را به ساخت سدی با ظرفیت ۱۱ میلیارد مترمکعب متقاعد کند. با نپذیرفتن طرح مزبور مصر دوباره تلاش کرد اتیوپی را به ساخت سدهای کوچک و پی‌درپی که ظرفیت سد نهضت را داشته باشد متقاعد کند که باز هم اتیوپی با آن مخالفت کرد.

در مقابل، سودان برخلاف قاهره که ساخت سد النهضه (رنسانس) را برای خود مساله مرگ و زندگی می‌داند، جانب آدیس آبابا را می‌گیرد؛ زیرا سودان اعلام کرده که این سد با سیاستهای سازگاری دارد، اما مصر نسبت به ساخت این سد و تأثیر آن به روی میزان سهمیه اش از آب رود نیل بسیار نگران است. این حمایت از اتیوپی و عدم حمایت از مصر شدیداً باعث تضعیف موقعیت قاهره شده است. به همین دلیل قاهره به تقویت روابط خود با خارطوم نیاز دارد تا در خصوص مسأله سد رنسانس تنها نماند. وجود ثبات سیاسی در دو کشور مصر و سودان که در شرایط فعلی هر دو از آن بی‌نصیب هستند از یک سو و دیپلماسی فعال آب میان دو کشور از سوی دیگر، می‌تواند در تقویت این روابط موثر باشد. بدون شک در شرایط فعلی رقابت شدید ژئوپلیتیکی بیشتر میان مصر و اتیوپی است و آنچه که می‌تواند این رقابت را تبدیل به یک «تقابل ژئوپلیتیکی» نماید، بهره‌برداری نهایی از این سد است.



نقشه ۲. نمای کلی سد نهضت (رنسانس) در اتیوپی.

با وجود آنکه این سد بالغ بر ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است، اما به دلیل تهدید مصریها و اثرات مخربی که این سد بر روی حیات انسانی و کشاورزی آنها دارد، بهره‌برداری نهایی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. عده‌ای از کارشناسان گزینه حمله نظامی مصر را در این زمینه مطرح کرده‌اند که با توجه به وضعیت کنونی سیاسی و اقتصادی موجود در مصر امکان این گزینه بسیار محدود به نظر می‌رسد. به ویژه که این اقدام با واکنش جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد. در تاریخ سپتامبر ۲۰۱۷م. در حاشیه کمیته اجرایی اتحادیه آفریقا وزرای خارجه مصر و اتیوپی دیدار و گفتگو کردند. بر اساس بیانیه وزارت امور خارجه مصر، وزیر امور خارجه این کشور در این دیدار از همتای اتیوپیایی خود خواستار تکمیل مطالعات فنی تأثیرات منفی سد نهضت بر روی مصر و برطرف کردن تأثیرات مزبور در اسرع وقت شده است. مذاکرات دیپلماتیک میان دو طرف همچنان ادامه دارد، آخرین دور مذاکرات در پایان سال ۲۰۱۸م. بود که اگرچه بی نتیجه بود، اما طرفین علاقمندی خود را به ادامه مذاکرات در این زمینه تا رسیدن به یک راه‌حل مناسب ابراز داشتند.

#### ۶- نتیجه‌گیری

بحران آب یکی از جدی‌ترین مسائل پیش‌روی بشریت است که نیاز به اقدام اصولی و فوری دارد. شواهد آماری حکایت از آن دارد که در بعضی از نقاط جهان، کمبود منابع آبی به نقطه بحران نزدیک شده

است و از آنجا که بحران برآمده از کمبود منابع، همواره نزاع‌آفرین است، بدیهی است که مساله آب، موضوع نزاعهای امروز و آینده قرار خواهد گرفت. در حالی که ۷۰ درصد کره زمین را آب تشکیل می‌دهد اما تنها ۲٫۷ درصد از آبهای جهان، شیرین هستند. حدود ۸۰ کشور جهان با کمبود آب مواجه هستند که در این میان می‌توان به کشورهای واقع در «حوضه رود نیل» اشاره کرد. بالغ بر چند هزار سال است که مصر، سودان و اتیوپی موجودیت خود را مدیون رودخانه نیل می‌دانند که از مناطق پرباران استوایی سرچشمه می‌گیرد. به عنوان مثال تأثیر رود نیل در کشاورزی و زراعت مصر به حدی بود که مطالعات نشان می‌دهد در روزگاری که ملت مصر از زراعت و حاصلخیزی لذت می‌بردند، بقیه نقاط در اوج خشکسالی و فلاکت به سر می‌بردند. بدون شک در گذشته آب نیل به علت وفور، کمبود جمعیت کشورهای واقع در حوضه نیل و عدم نیاز فراوان به آب، یک «کالای عمومی» بود. اما با ورود استعمار به قاره آفریقا در قرن ۱۹م. و بهره‌برداری از آب نیل برای کشاورزی از یک سو و در ادامه افزایش جمعیت در میان کشورهای واقع در حوضه نیل و نیاز فراوان به آب در اواسط قرن بیستم، آب نیل به یک «کالای استراتژیک» تبدیل شد. بر اساس قراردادی که در سال ۱۹۲۹ م. میان بریتانیا و ایتالیا منعقد شده، به علت فراوانی آب رودخانه نیل، سالانه حدود ۴۸ میلیارد متر مکعب آب وارد مصر و حدود ۴ میلیارد متر مکعب آب سهم کشور سودان بود. پیشنهاد برای توسعه سد اسوان در مصر منجر به انعقاد پیمان ۱۹۵۹ م. گردید. عهدنامه مصر و سودان در سال ۱۹۵۹م. به مصر اجازه می‌داد تا ۸۷ درصد از جریان ۸۵ میلیارد متر مکعبی آب نیل را مورد استفاده قرار دهد، درحالی که سهم اتیوپی ۱ درصد و بقیه سهم کشور سودان بود.

از دهه ۱۹۹۰ م. به این سو در نتیجه تقاضای فزاینده مبتنی بر طرحهای جدید آبیاری، افزایش سطح زیر کشت، رشد جمعیت و.. رقابت بر سر حقایق آب نیل میان سه کشور فوق بالا گرفت که می‌توان از آن تعبیر به «هیدروپلیتیک» نمود. مساله‌ای که بر روابط ژئوپلیتیکی آنها تأثیر منفی گذاشته است. این اختلاف زمانی به اوج خود رسید که دولت اتیوپی ساخت سد نهضت (رنسانس) را در سال ۲۰۱۱ م. در دستور کار خود قرار داد. مساله‌ای که نه تنها منجر به چالش میان مصر و اتیوپی شد، بلکه روابط مصر و سودان را نیز دستخوش تحول نمود. چالشی که قدرتهای خارجی از جمله اسرائیل و غرب نیز در افزایش آن دخیل بودند. مصریها معتقد بودند که ساخت سد رنسانس، باعث آسیب رساندن به حیات انسانی و کشاورزی این کشور می‌شود. اما در مقابل اتیوپی با اعلام اینکه ساخت این سد هیچگونه آسیبی را متوجه کشورهای پائین دست از جمله مصر نخواهد کرد، بهره‌برداری از آب نیل را حق طبیعی خود قلمداد می‌کند. برخلاف

مصر، اتیوپی و تا حدودی سودان از ساخت این سد منتفع می‌شوند؛ چرا که گذشته از آب فراوان برای کشاورزی، منبع عمده تامین برق برای دو کشور مذکور خواهد بود. با وجود دیپلماسی فعالی که میان دو کشور مصر و اتیوپی بر سر نحوه بهره‌برداری از آب نیل در جریان هست، اما تاکنون مذاکرات آنها نتیجه مثبتی به همراه نداشته است. بدون شک بهره‌برداری غیرمنصفانه از رود نیل که نتیجه قراردادهای استعماری، فقدان مکانیسم مناسب تقسیم‌بندی آب، افزایش جمعیت و رشد صنعت، ساخت سد رنسانس و نهایتاً دخالت قدرتهای خارجی است، روابط ژئوپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی را متاثر نموده است. بنابراین در صورت پافشاری کشورهای بالادست بر سهم منصفانه از آب نیل، از جمله عملیاتی شدن سد رنسانس (نهضت) و بهره‌برداری از آن توسط اتیوپی، آسیب فراوانی را متوجه میزان آب شرب، کشاورزی و صنعت توریسم مصر و تا اندازه ناچیزی آب سودان خواهد گذاشت. لذا در چنین شرایطی هیدروپلیتیک نیل، عرصه «تقابل ژئوپلیتیکی» میان مصر، سودان و اتیوپی خواهد شد.

#### کتابنامه

1. Araghchi, S.A. (2014). *Water Diplomacy, From Conflict to Cooperation*. Quarterly Journal of Global Politics, 3(4), 91-119. [In persion]
2. Araghchi, S.A. (2015). *Foreign and International Waters Diplomacy*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. [In persion]
3. Barter, J. (2002). *Rivers of the World - The Nile*. Publisher: Lucent Books/Thomson Gale
4. Barter, J. (2008). *Neil*. Translated by Rashad Mardukhi, Tehran, Mahi Publishing. [In persion]
5. Barzegar, E. (2007). *A Conceptual Framework for Understanding Egypt's Political Developments*. Quarterly Journal of Law and Policy Research, 9(22), 203-252. [In persion]
6. Blake, G., Dreisdal, A. (1995). *Middle East and North Africa*. Translated by Darre Mirheider, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. [In persion]
7. Brown, L.R. (2000). *How Water Scarcity Will shapes the New Century* (speech) Stockholm Water Conference, Stockholm.
8. Cockett, R. (2010). *Sudan: Darfur and the Failure of an African State*. London: Times.
9. Cooley, J. (1984). The War over Water. *Foreign Policy* 54,3-28.
10. Dodds, K. (2000). *Geopolitics in A changing World*. Michigan: Prentice Hall.
11. FAO (2003). *General Summary Asia: Water With drawal*. " AQUASTAT: FAO's information system on Water & Agriculture, online at <http://www.fao.org>.
12. Farshadgohar, N. (1988). *International Rivers System and Arvand River*. Tehran, Office of Political and International Studies. [In persion]

13. Ghanad bashi, J. (1977). *Consequences of the Construction of the Renaissance Dam on the Nile*. International Peace Studies Center (IPSC). [In persion]
14. Golkarami, A., Kavianiadrard, M. (2017). *The Impact of Water Resources Constraints on Hydropolitical Tensions*. Journal of Geography and Environmental Planning, 28(1), 105-126. [In persion]
15. Grinberg, A. (2013). *Where do I from? A Book about Ethiopia*. Ethiopia: Ethiopia University.
16. Hafeznia, M. R., Nikbakht, M. (2002). *Water and Sociopolitical Tensions; Case Study of Gonabad*. Journal of Geographical Research, 17(2, 3), (47-48). [In persion]
17. Hafeznia, M.R. (2011). *Geopolitical Concepts and Principles*. Mashhad: Astan Qods Razavi. [In persion]
18. Haggett, p. (1979). *Geography: modern Synthesis*. London: Harper and Row.
19. Herodotus (1942). *The Persian Wars, trans. George Rawlinson*. Newyork: Modern Library Series, p.60.
20. Hillel, Daniel, (1994), *Rivers of Eden*. Oxford, UK: oxford University Press, P.76.
21. Hodgson, R. d. & Stoneman, E. A. (1986). *The changing Map of Africa*. 2 nd .ed. Princeton, N.J.: D.van Nostrand Co.
22. Kashef, Sh. (2013). *Iran and International Environmental Law*. Tehran: Khorsandi Publication. [In persion]
23. Lavasani, A. (1993). *The International Conference on Environment in Rio de Janeiro*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. [In persion]
24. LotfAli Zadeh, M., Ghavam, A., (2017). *The Hydropolitical Root of Regional Security in the Middle East*. Master's Thesis: Tehran Shahid Beheshti University, Faculty of Political and Economic Sciences. [In persion]
25. Mohammadi, A. (2011). *Egypt and the Water Crisis*. Zaribar Scientific. Research Journal, 2(4), 38-52. [In persion]
26. Mojtahedzadeh, p. (2014). *Political Geography and Geographical Policy*. Tehran: SAMT Press. [In persion]
27. Mokhtarihesi, H. (2013). *Iranian Hydropolitics: Geography of Water Crisis in the Horizon of 1404*. Geopolitics Quarterly, 9(3), 53-71. [In persion]
28. Mokhtarihesi, H., Qaderi Hajat, M. (2008). *Middle East Hydro politics over 2025 Horizon: Case Study of Tigris and Euphrates Basins, Jordan River, and the Nile*. Journal of Geopolitics, 4(1), 46-63. [In persion]
29. Moorhead, A. (2016). *Blue Nile*. Translated by Dariush, Tehran: Avay-e Rouz. [In persion]
30. Moradi Tadi, M.R. (2017). *Water and Politics: A Look at the Process of Water Politicization*. Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, 9(4), 73-92. [In persion]
31. Olive, M. (2016). *Neil*. Translated by Ali Mohammadi, Tehran: Raz Nahan. [In persion]
32. Salehi, F. (2017). *Sudan's Strategic Position for Egypt; the Role of the Nile in Bilateral Relations*. Mehr News Agency. [In persion]

33. Seemann, M. (2016). Water Security Justice and the Politics of Water Rights in Peru and Bolivia. *Alternautas*, Vol.3.
34. Shakarian, Sh., Faghiri, Sh. (1997), *a Collection of International Conventions*. Tehran: Publisher of Presidential Institution. [In persion]
35. Shotar, S. (2007). *Understanding the Concepts of Political Geography*. Translated by Seyed Hamed Raziei, Tehran: SAMT Press. [In persion]
36. Smith, C.G. (1966). The disputed waters of the Nile. *Transactions of the Institute of British Geographers*. 111-128.
37. Waterbury, John. (1979). *Hydropolitics of the Nile Valley*. N.Y. Syracuse University Press.
38. Wihbey, P. M. & Berman, I. (2008). Water. The Geopolitics of Water. *New England Journal of Public Policy*, 21(2), 95-97.
39. Wolf, Aaron, Yoffe, Shira & Giordano, Mark, (2003), " International waters: indicators for identifying basins at risk", *Journal of the American Water Recourses Association*, 39, 1109- 1126.
40. World Commission of Dams (WCD), (2000), *Dams & Development: a new Framework for Decision – Making*, The Report of World Commission on Dams.

